

بهمن آمد و گل ریخت، باغبان به دامانش
چلچراغ مهر افروخت، لاله در خیابانش
سرزمین ایمان را، با ستاره آذین بست
چون درخت فروردین، از شکوفه بارانش
فجر صادق است آنک، کز فروغ یزدانی
در طلوع آزادی، سر زد از گریبانش
پرده شفق گلگون، دامن فلق در خون
بر سپهر نیلی فام، شاهد شهیدانش
ز آستین ابراهیم، دست حق برون آمد
در نبرد تنگاتنگ، بت شکست و بنیانش
شور او خدایی بود، نغمه آسمانی بود
کز سروش غیب آمد، آفرین ز یزدانش